

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۳۹۷۷

۱۳۸۰ / ۱۲ / ۲۲



دانشگاه شیراز

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

بخش زبان و ادبیات فارسی

017090

پایان نامه

برای تکمیل دوره‌ی کارشناسی ارشد

موضوع:

ساختار اوصاف اشخاص در بخش پهلوانی شاهنامه‌ی فردوسی

بوسیله‌ی :

شعبان شفیع نسب

استاد (اهنما):

دکتر یحیی طالبیان

استاد مشاور:

دکتر محمود مدبری

شهریورماه ۱۳۸۰

۳۹۷۵۷

(ب)

بسمه تعالی

این پایان نامه

به عنوان یکی از شرایط احراز درجه کارشناسی ارشد

به

بخش زبان و ادبیات فارسی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان

تسلیم شده است و هیچ گونه مدرکی به عنوان فراغت از تحصیل دوره مزبور شناخته نمی شود.

امضاء

نام و نام خانوادگی

آقای شعبان شفیع نسب

دانشجو:

آقای دکتر پیچینی طالبیان

استاد راهنما:

آقای دکتر محمود مدبری

استاد مشاور:

آقای دکتر محمدرضا صرفی

داور ۱:

خانم دکتر فاطمه معین الدینی

داور ۲:

داور ۳:

حق چاپ محفوظ و مخصوص به مولف است

(ج)



تقدیم به روح بلند پدرم.

که با خون خود.

حماسه آفرید.

و به اسطوره‌ها پیوست.

و به دخترم زهره.

که با شیرین زبانی هایش.

آسمان زندگی ام را

روشن و درخشان کرده است.

سپاسگزاری

در تهیه و تدوین این مجموعه، بعد از عنایت و لطف حضرت حق، وام دار همت بزرگوارانی هستم که بر خود واجب می‌دانم در اینجا از آنان قدر دانی و سپاسگزاری کنم:

ابتدا از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر یحیی طالبیان که استاد راهنمای این پژوهش بودند سپاسگزارم و امیدوارم که هر کجا هستند کرم و لطف الهی شاملشان باشد.

فرزانه‌ی ارجمند جناب آقای دکتر محمود مدبری علاوه بر کار مشاوره‌ی این پژوهش، در غیاب آقای دکتر طالبیان همه‌ی زحمات را پذیرفتند و با گشاده رویی و وسعت نظر، و دقت و نکته‌سنجی، هدایت و ارشاد این پژوهش را به عهده گرفته و به انجام رسانده‌اند. از ایشان بی‌نهایت سپاسگزارم.

جناب آقای دکتر محسنی‌نیا رئیس محترم بخش فارسی و جناب آقای دکتر صرفی معاون محترم آموزشی دانشکده، نیز سهم به‌سزایی داشتند از این سروران و دیگر استادان محترم بخش زبان و ادبیات فارسی که در این چند سال از محضرشان بهره‌ها برده و استفاده کرده‌ام بسیار سپاسگزارم.

منشی محترم بخش فارسی، سرکار خانم احمدی حق‌بزرگی به‌گردن من دارند و در دوران تحصیل از عنایات و الطاف کریمانه‌شان بی‌نهایت بهره‌مند شدم، از این خواهر بزرگوار سپاس فراوان دارم.

از مادرم که در این تحصیلات، مشوق و پشتیبانم بودند و نیز از همسرم که در این چند سال به خاطر من سختی‌های فراوانی را تحمل کردند بسیار سپاسگزارم.

برادر اندیشمند و ادب دوست طلبه‌ام، شیخ محمد شفیع نسب، از آغاز تا پایان این پژوهش، یار و مددکارم بوده‌اند و تلاش و کوشش فراوان نموده‌اند؛ از ایشان سپاس بی‌نهایت دارم و توفیقشان را از خداوند بزرگ آرزو می‌کنم.

چکیده

وصف در این پژوهش، عبارت از هر تعبیر و بیانی است که شاعر به کمک آن بخشی از ویژگی‌ها و حالات درونی و بیرونی، جسمی و روانی، مادی و معنوی اشخاص و قهرمانان را معرفی می‌کند. بخش پهلوانی شاهنامه، که با تولد رستم شورانگیز می‌شود و با مرگ او به پایان می‌رسد، بخش اساسی، مهم، زیبا و جذاب شاهنامه به شمار می‌آید. این بخش از دیدگاه و منظر اوصاف قهرمانان نیز جامع تمام شاهنامه است. ساختار و ساختمان وصف‌ها در این بخش بسیار متنوع و گوناگون است؛ اما به طور کلی در سه ساختار و گروه عمده تقسیم بندی شده‌اند.

گروه اول وصف در ساختار واژه است. واژه‌هایی که بیانگر اوصاف اشخاص است شامل «اسم»ها و «صفت»ها هستند؛ که اسم‌ها بیشتر به صورت استعاره به کار رفته، یا القاب و عناوینی است که برای قهرمانان آمده است. صفت‌ها خود دارای چهار ساختار دیگر است: صفت‌های ساده، صفت‌های مشتق، صفت‌های مرکب و صفت‌های مشتق-مرکب. صفت‌های مرکب بیشترین کاربرد و گوناگونی را دارند، به ویژه صفت‌هایی که در ساختمان آنها ریشه‌ی فعل به کار رفته است زیاد است. برخی از «وند»ها از جمله «با، مند، ور، ه و ی» بیشترین صفت‌های مشتق را بوجود آورده‌اند. در بین صفت‌های مشتق-مرکب، جزءهای «دیده» و «کینه» کاربرد بیشتری دارند و واژه‌های بیشتری ساخته‌اند.

گروه دیگر اوصاف، ساختاری است که از ادات (ادات تشبیه و حروف اضافه) و واژه، یا از گروه واژه‌ها تشکیل شده است. بنابراین، ترکیبات اضافی و وصفی (مقلوب و غیر مقلوب) و نیز گروه وصفی در این ساختار قرار دارند. شاعر گاه قهرمان را با حروف اضافه و متمم توصیف کرده است؛ و گاهی به کمک ارکان تشبیه، اشخاص را معرفی نموده است. تشبیه‌ها در تصویرسازی و توصیف، در شاهنامه رکن اساسی دارند. «گروه وصفی» از هنرهای بیانی فردوسی است و در شاهنامه موارد زیادی آمده است. شاعر گاه گروهی از واژه‌ها را (که بیشتر آنها صفت است) برای بیان صفتی بسیج کرده در کنار هم قرار داده است.

ساختار جمله، گروه دیگری از اوصاف قهرمانان است که بسیار قابل توجه است. هم جمله‌های اسمیه و هم جمله‌های فعلیه در توصیف نقش اساسی دارند. گاه از جمله‌ی مرکب نیز استفاده کرده است، که ممکن است از دو جمله‌ی اسمیه یا دو جمله‌ی فعلیه تشکیل شده باشد؛ یا ترکیبی از جمله اسمیه و جمله‌ی فعلیه باشد.

این تنوع و گوناگونی وصف‌ها، به ویژه در ساختار «صفت»ها، تسلط و اشراف شاعر را بر زبان فارسی و اصطلاحات و امکانات گسترده‌ی آن بیان می‌کند؛ و نشانگر این حقیقت است که چنین اثر ادبی عظیمی ساخته‌ی نابغه‌ای بزرگ و عظیم است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ط	پیش‌گفتار

فصل اول - مقدمه ۱-۸

۲	درآمد
۲	۱-۱ بیان مسأله
۲	۱-۲ و ۳ اهمیت ضرورت تحقیق و اهداف آن
۳	۱-۴ پرسش‌های اصلی تحقیق
۴	۱-۵ نوع تحقیق
۴	۱-۶ روش تحقیق
۴	۱-۷ روش جمع‌آوری اطلاعات
۵	۱-۸ پیشینه‌ی تحقیق
۵	۱-۹ نقد منابع
۷	۱-۱۰ واژگان کلیدی
۸	یادداشت‌ها

فصل دوم - کلیات ۹-۳۰

۱۰	درآمد
۱۰	۲-۱ حماسه‌ی فردوسی و زبان آن
۱۶	۲-۲ وصف در شاهنامه
۱۹	۲-۳ اوصاف شعر دقیقی و مقایسه‌ی آن با اوصاف شعر فردوسی
۲۰	۲-۴ ساختار اوصاف و توصیف‌ها
۲۷	یادداشت‌ها

فصل سوم - شرح تفصیلی و تجزیه ی ساختار اوصاف ۳۱-۳۳۹

درآمد	۳۲
۳-۱ ساختار واژه‌های اوصاف	۳۲
۳-۱-۱ اسم‌ها	۳۲
۳-۱-۲ صفت‌ها	۵۰
۳-۱-۲-۱ صفت‌های ساده	۵۰
۳-۱-۲-۲ صفت‌های مشتق	۸۷
۳-۱-۲-۳ صفت‌های مرکب	۱۴۴
۳-۱-۲-۴ صفت‌های مشتق - مرکب	۲۲۶
۳-۲ ساختار غیر واژه‌های اوصاف (ادات و واژه‌ها)	۲۵۴
۳-۲-۱ ترکیب‌ها	۲۵۴
۳-۲-۱-۱ ترکیب‌های وصفی	۲۵۶
۳-۲-۱-۲ ترکیب‌های اضافی	۳۰۱
۳-۲-۲ گروه وصفی	۳۰۴
۳-۲-۳ حروف اضافه و واژه‌ها	۳۰۵
۳-۲-۴ ادات تشبیه و واژه‌ها	۳۱۳
۳-۲-۵ صفت‌ها و قیود اعضاء و جوارح اشخاص	۳۲۰
۳-۳ ساختار جمله	۳۲۳
۳-۳-۱ جمله‌ی فعلیه	۳۲۴
۳-۳-۲ جمله‌ی اسمیه	۳۳۱
۳-۳-۳ جمله‌ی مرکب	۳۳۵
۳-۳-۴ جمله‌ی تفسیر واژه	۳۳۶
یادداشت‌ها	۳۳۹

فصل چهارم - نتیجه ۳۴۲-۳۴۶

فهرست منابع	۳۴۷
-------------	-----

پیش‌گفتار

امروز در محافل ادبی کلاسیک و دانشگاهی، وقتی که سخن از مجالس شاهنامه خوانی روستایی به میان می‌آید، شاید کمتر دانشگاه دیده و تحصیل کرده‌ای باشد که چنین مطلبی را باور کند؛ و اگر شکل ظاهری و صوری مسأله را بپذیرد، کمتر باور می‌کند که کشاورزان و دامداران روستایی مدرسه و دانشگاه ندیده شاهنامه را می‌فهمند و از آن لذت می‌برند. اما خوشبختانه این حقیقتی است که در بیشتر مناطق روستایی، اوقات فراغت این قشر از اجتماع را پر کرده و خیل مشتاقان فرهنگ و پیشینه‌ی تاریخی قوم ایرانی را صمیمانه دور هم جمع کرده است. خوشبختانه کودکی من در روستایی گذشت که از چنین مجالس و محافل بهره‌مند بود. با وجود گذشت نزدیک به سی سال، هنوز صدای لرزان و همراه با حزن خواننده - که در آن موقع کمتر مفهومی برایم داشت - در ذهنم طنین انداز است. شرح‌ها و تفسیرهایی که پدر بزرگ پیر و بی‌سوادم از بیت‌ها و قصه‌ها می‌کرد، همواره از دغدغه‌های ذهنی من بود. او گرچه هیچ سراد خواندن و نوشتن نداشت، اما علامه‌ی سنتی به تمام معنی بود. علامه‌ای که تمام دانش‌های خود را به صورت شفاهی فرا گرفته بود. همان شیوه‌ای که در میان اعراب قبل از اسلام رایج بود و تاریخ به صرحت گواهی داده است که آنان سخنوران و علمانی توانا بودند که هیچ خواندن و نوشتن نمی‌دانستند. دانستی‌های نجومی‌اش نیز شگفت‌انگیز بود. و مهمتر از همه، حافظه‌ی بسیار نیرومندی داشت. گاه که خواننده و ملای راوی - که اغلب هیچ معنم و مدرسه ندیده بودند و به آنها اصطلاحاً «ملای محلی» می‌گفتند - در خواندن آیات ضعف و ناتوانی نشان می‌داد، خود با صدای بم و محزون‌نی که گاه با قطره‌ی اشکی در گوشه‌ی چشمش همراه می‌شد، بیت‌ها را از حافظه‌اش بر زبان می‌راند، و بعد هم شرح و تفسیر می‌کرد و «سخن را رنگ و بوی می‌داد».

این مجالس چندان منظم و پیاپی برگزار نمی‌شد. گاه هفته‌ای یک بار تشکیل می‌گردید، و گاهی، دو سه ماهی می‌گذشت و خبری نمی‌شد. زیرا تشکیل چنین مجالسی، به وجود و حضور یک با سراد خوش صدا وابسته بود؛ که چنین افرادی محدود و اندک بودند. قصه‌ها بیشتر از بخش پهلوانی انتخاب می‌شد. و کمتر قصه‌ای بود که رستم در آن حضور نداشته باشد گاه یک قصه را در دو، سه، و... جلسه ارایه می‌کردند؛ و خدا می‌داند مرده ده برای شنیدن ادامه‌ی آن در هفته‌ی بعد، چه شور و شتابی داشتند و چقدر بی‌قراری می‌کردند! چون شب موعود فرا می‌رسید، کارهای خود را زودتر انجام داده شاه - که همواره در روستاها هم مهمتر و مفضل‌تر است و هم زودتر صرف (سرو) می‌شود - می‌خوردند و به پای محفل شاهنامه‌ی پدر بزرگ می‌نشستند و تا پاسی از شب، گوش جان می‌سپردند به کلام زیبای فردوسی از زبان دهقانی پیر و جهان‌دیده؛ و هیچ‌کس را خبر و پروای جان و مال نبود، حتی اگر ده را غارت می‌کردند کسی خبر دار نمی‌شد. و سرانجام، همه در پایان «شاد و روشن روان» یا «پر آب چشم» گشته می‌رفتند تا شبی دیگر و محفلی دیگر.

علاوه بر این، آنچه از روزگاران پر جنب و جوش و شیرین کودکی در ذهن من باقی مانده است، قصه‌های مادر بزرگ است. این قصه‌ها و مثل‌ها هر چند که همچون قصه‌های شاهنامه، همه را جمع

نمی‌کرد، اما باز شنوندگان خاص خود را داشت. تمام کودکان و برخی از زنان، شنوندگانی بودند که مادر بزرگ، با کلامی بسیار ساده و شمرده که با بیانی گرم و صمیمی همراه بود، دور خود جمع می‌کرد و با مهربانی برایشان قصه می‌گفت. من همواره یکی از مشتاقان و طرفداران پر و پا قرص قصه‌های مادر بزرگ بوده و از این موهبت نیز برخوردار بودم که در میان دیگر کودکان، بیشتر مورد توجه وی قرار می‌گرفتم. بنابراین، قصه‌ها و متل‌های بسیاری را همچون شربت‌گوارا در کام کودکی من می‌ریخت و ذهن کودکانه‌ام را از قصه‌های پربان شیر مست می‌کرد.

اکنون اگر چه، سال‌هاست که پدر بزرگ لب از سخن فرو بسته است، اما همواره با خواندن شاهنامه، با حسرت و اندوه به یاد آن محافل و مجالس می‌افتم، و همواره این تنها بیت باقی مانده از آن روزگار، دریاوی سهراب که:

کمر کرد خمه و بغل کرد سیخ / به یک دست بر کند هفتاد میخ [۱]

در ذهنم طنین انداز است. ولی مادر بزرگ خوشبختانه هنوز قصه می‌گوید و گاهی که توفیق دیدارش دست بدهد، همان قصه‌ها و متل‌ها را بدون کوچکترین خدشه و تغییری با همان مهربانی و صمیمیت روایت می‌کند.

بن دنیای رنگارنگ قصه‌های مادر بزرگ، مرا شیفته‌ی افسانه‌ها کرد. بنابراین به پشتیبانی از حافظه‌ی قوی او «جمع آوری و تدوین افسانه‌های استان کهگیلویه و بویراحمد» را به عنوان موضوع پایان نامه‌ی خود برگزیدم و به تحقیق و پژوهش پرداختم. در بعضی از مناطق روستایی استان، تعدادی از افسانه‌ها را بر روی نوار کاست ضبط کردم. اما در آغاز کار، با خبر شدم که یکی از همکارانم دست به چنین کاری زده و آن را به چاپ سپرده است. چون از زیر چاپ بیرون آمد، از تغییر موضوع و ادامه ندن آن پژوهش بسیار پشیمان شدم.

اما قصه‌های شاهنامه و مجالس شاهنامه خوانی پدر بزرگ، که از یادگارهای ذهنی ارزشمند ایام کودکی‌ام بود مرا وادار نمود تا در شاهنامه‌ی فردوسی، به دنبال موضوعی برای طرح پژوهشی خود بگردم. چنین بود که سرانجام، بعد از پیشنهاد چند موضوع، این طرح پژوهشی با عنوان «ساختار اوصاف اشخاص در بخش پهلوانی شاهنامه» برگزیده و تصویب شد (لازم به توضیح است که این عنوانی است که در نهایت با چندین مرحله تغییر و تبدل به این صورت در آمده است). در آغاز کار مشکلات زیادی بر سر راه قرار داشت، که مهمترین آنها کمبود منابع بود. با راهنمایی استادان بزرگوار، آقایان دکتر طالبیان و دکتر مدبری، کار تحقیق و پژوهش را شروع کردم. ابتدا، شاهنامه را خواندم و اوصاف قهرمانان را فیش برداری نمودم. کثرت و فراوانی اوصاف چنان زیاد بود که در آغاز، کار فیش برداری به سختی و کندی پیش می‌رفت. زیرا گاه ممکن بود که بیتی دارای پنج وصف یا بیشتر باشد؛ بنابراین لازم بود که هر بیت چندین بار فیش برداری شود. با این شرایط، حاصل تلاش شش تا هفت ساعت تحقیق و مطالعه و فیش برداری روزانه، چیزی حدود صد بیت بود. اما هر چه پیشتر می‌رفتم، از حجم مشکلات نیز کاسته می‌شد. برای مثال، استفاده از کارین در فیش برداری مانع از نوشتن یک بیت در چندین نوبت و اتلاف وقت می‌شد. سرانجام، بیش از ده هزار فیش، حاصل پنج ماه

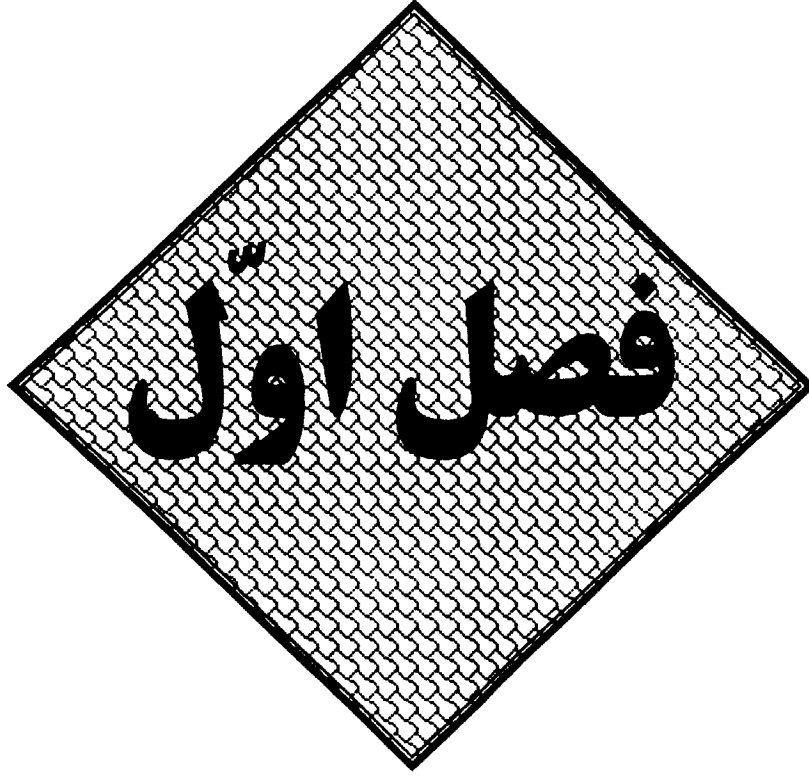
یادداشت اوصاف قهرمانان شاهنامه بود.

در فیش‌ها، قهرمانان و اشخاص را به شاهان، پهلوانان، زنان، شاهزاده‌ها، عوامل بزم و طرب و عوامل حکومتی و درباری طبقه‌بندی کردم. علاوه بر این، نام هر شخص را زیر عنوان طبقه‌ی اجتماعی او نوشتم. واژه یا عبارت وصف را دقیقاً و بدون کم و زیاد و هرگونه تغییری، در مقابل نام شخص یادداشت کردم. موقعیت زمانی و مکانی شخص را حین احراز آن وصف به همراه آدرس بیت نیز قید کردم. بنابر این با خواندن هر فیش، اطلاعات کاملی از شخص و صحنه‌ی مورد نظر تداعی می‌شد.

در بین کار و اوقات فیش برداری، آنچه را که درباره‌ی فردوسی و شاهنامه نوشته بودند، با استفاده از کتابخانه‌های دانشگاه شهید باهنر کرمان و دانشگاه شیراز و کتابخانه‌های عمومی، تهیه، مطالعه و یادداشت نمودم. علاوه بر راهنمایی‌های استادان بزرگوار، آقای دکتر طالبیان و آقای دکتر مدبری که استادان راهنما و مشاور من بودند، از راهنمایی‌های حضوری و تلفنی آقای دکتر رستگار استاد محترم دانشگاه شیراز و ارشادات تلفنی آقای دکتر برومند و آقای دکتر وحیدیان کامیار نیز بهره‌ها بردم. در مراحل پایانی این پژوهش آقای دکتر طالبیان به مسافرت خارج از کشور رفتند «هر کجا هست خدایا به سلامت دارش» و متأسفانه توفیق استفاده‌ی بیشتر از محضرشان را از دست دادم. در غیاب ایشان لطف و عنایت استاد بزرگوار آقای دکتر مدبری بود که این کار به انجام رسید. آنچه در این و جیزه گرد آمده است، خوشه‌ی کوچکی است که از خرمن‌های عظیم و پر بار این بزرگواران و دیگر نویسندگان و ادبای علاقه‌مند به فردوسی و شاهنامه برگرفته‌ام.

نگارش این پژوهش در رسم الخط، املا، فصل و وصل کلمه‌ها و ترکیبات، قواعد نقطه‌گذاری، یادداشت‌ها و ارجاعات منابع و مأخذ و فهرست‌ها، براساس کتاب «راهنمای نگارش و ویرایش» تألیف آقایان دکتر محمد جعفر یا حقی و دکتر محمد مهدی ناصح می‌باشد. تنها در یک مورد، از آن کتاب پیروی نکرده‌ام و آن، نشانه‌های اضافه پس از کلمه‌های مختوم به «ها» ی بیان حرکت است که در این پژوهش به صورت «ی» بزرگ آمده است؛ دلیل انتخاب این شیوه، این است که در کتاب‌های دبیرستان، این شیوه را با اجبار رایج کرده‌اند و «ی» کوچک (ه) برای فارغ التحصیلان دبیرستان و بیشتر دانشجویان ناشناخته و نوعی ناهنجاری است.

آدرس بیت‌های شاهنامه را به ترتیب شماره‌ی جلد، شماره‌ی صفحه و شماره بیت بدین ترتیب، ج ۵ ص ۱۱۷/۲۴۱ آورده‌ام که ممیز به معنی بیت، و شماره‌ی بعد از آن شماره‌ی بیت مورد نظر می‌باشد. درباره‌ی آغاز و انجام بخش پهلوانی شاهنامه و حریم آن نظرات، کمی متفاوت است. بعضی‌ها معتقدند که این بخش با تولد رستم آغاز و با مرگ او پایان می‌یابد. به عبارتی، دوره‌ای که خاندان پر آوازه‌ی پهلوانان سیستان پدیدار می‌شوند و به دفاع از ایران زمین بر می‌خیزند [۲]. و بعضی این بخش را از عهد فریدون و قیام کاوه‌ی آهنگر تا قتل رستم می‌دانند [۳]. ولی با توجه به توضیحات استادان بزرگوار آقای دکتر مدبری و آقای دکتر رستگار، از آغاز پادشاهی منوچهر تا پایان پادشاهی بهمن اسفندیار، در این رساله بعنوان بخش پهلوانی مورد پژوهش و تحقیق واقع شده است، که تقریباً جامع بین نظرات پیشین می‌باشد.



مقدمه

این فصل را فصل اول و فصل مقدمه قرار داده‌ام. در این فصل طبق روال معمول، ابتدا به معرفی و بیان مسأله و موضوع پرداخته شد. سپس، اهمیت ضرورت پرداختن به این پژوهش و اهداف و فوایدی که بر آن مترتب است شرح داده شد. بیان مطلوب‌ها و پرسش‌های اصلی، مبحث بعدی این فصل است. پس از آن نوع، و روش پژوهش بیان گردید. بدیهی است که در علوم انسانی روش‌های مختلفی برای گونه‌های متفاوت پژوهش وجود دارد. در این فصل توضیح داده شد که از میان گونه‌های متفاوت پژوهشی و روش‌ها و شیوه‌های مختلف تحقیق، کدام اقسام مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

نحوه جمع‌آوری اطلاعات و نیز مطالبی درباره‌ی تحقیقات و پژوهش‌هایی که تاکنون در این زمینه انجام شده است، از موضوعات بعدی این فصل است. در آخر هم تعدادی از منابع مهم این رساله نقد و بررسی شده است و برخی از واژه‌های کلیدی که بار اصلی این پژوهش را به دوش می‌کشند برگزیده و ذکر شده‌اند.

۱-۱) بیان مسأله

برای اینکه تعریف دقیقی از موضوع و عنوان ارائه گردد، اول لازم است که وصف و توصیف توضیح داده و معنی شود.

در فرهنگ‌ها، وصف را به معنی «صفت کردن و شرح دادن» [۴] و توصیف را به معنی «صفات و خصایص چیزی را بیان کردن» [۵] نوشته‌اند.

در این رساله وصف عبارت از هر تعبیر و بیانی است که ویژگی‌ها، حالات و مشخصات ظاهری و باطنی، جسمی و روانی، مادی و معنوی اشخاص و قهرمانان را نشان دهد و بیان نماید. قطعاً با هر وصف، به بخشی از وجود شخص، آگاهی پیدا می‌کنیم و بر آن دست می‌یابیم. این وصف‌ها به طور قطع و یقین، یکسان نیستند و اشکال و صورت‌های مختلفی دارند و از ساختارهای متفاوتی برخوردارند. شکل‌گیری و ساختاری این وصف‌ها، مبحث و موضوع این رساله است؛ و در آن، در جهت شناخت و طبقه‌بندی و گزارش این شکل‌ها و ساختارهای متفاوت، تلاش شده است. بنابراین، مطلوب و مسأله، انواع ساختاری وصف‌ها و صفت‌های قهرمانان است.

۳ و ۲-۱) اهمیت ضرورت تحقیق و اهداف آن

پایه‌ها و ستون‌های زبان و ادب هر ملتی، آثار نظم و نثر مکتوب و به جای مانده از گذشته‌ی آن زبان است. این آثار مکتوب، علاوه بر اینکه بیانگر نحوه‌ی زندگی، اندیشه، فرهنگ، آداب و رسوم و دانش‌های آن قوم است، اصطلاحات، واژه‌ها، صرف و نحو و بطور کلی زبان آن قوم را در خود دارد. زبان فارسی نیز دارای چنین ویژگی است، و آثار مکتوب نظم و نثر پیشینیان ما در واقع تاریخ تطوّر و

تحوّل زبان فارسی محسوب می‌شود. با بررسی و پژوهش‌های زبانی در این آثار، به نتایج ارزشمندی دست می‌یابیم که می‌تواند ما را به سرچشمه‌های سخنوری و گویندگی گذشتگانمان رهبری نماید. فردوسی از گویندگان و سخنوران توانا و نامی است که تسلط و اشراف او بر فنون و بلاغت زبان، و نیز معیارها و دقایق بیان، در شاهنامه تبلور یافته و این حماسه‌ی بزرگ را همچون خورشید درخشانی در پهنه‌ی ادب فارسی در افشان و گهر بار کرده است. بررسی، غور و پژوهش در این اثر گران سنگ، همچون غواصی در اقیانوس بی‌کرانی است که هر چند شناخت کامل و دقیق آن غیر ممکن است؛ اما هر بار غواص اندیشه و خرد، با دنیایی از ناشناخته‌ها و کوله باری از درّ و مروارید، به ساحل برمی‌گردد. لذا با هر بار تحقیق و جستجو، به گوشه‌هایی از توانایی‌ها و امکانات زبان فارسی دست می‌یابیم که می‌تواند هم در شناخت بیشتر و عمیق‌تر شاهنامه و دیگر آثار مشابه ما را یاری کند، و هم در تلطیف و سلاست و آراستگی زبانمان، چراغی فرا را همان باشد.

یکی از این امکانات و توانایی‌های شاهنامه، تصویر و توصیفات اشخاص و قهرمانان است که قصه‌های شاهنامه را به نمایشنامه‌های زنده و عینی، بسیار نزدیک کرده است. در حقیقت قدرت قصه‌پردازی و دستان‌سرایي فردوسی، وابسته به این توصیف‌ها و تصویرهاست. طبقه بندی و تقسیم بندی ساختاری توصیف‌ها، به شناخت بیشتر آنها می‌انجامد که سرانجام این شناخت عمیق، ما را با دنیای اساطیری و پهلوانی شاهنامه نزدیک و مانوس می‌کند.

این پژوهش، با رویکردی به ساختار واژه که در ساختار صفت‌ها انجام گرفته است ضمن شناخت اصطلاحات و واژه‌ها و اجزای تشکیل دهنده‌ی آنها در شاهنامه، می‌تواند راهنما و معیاری برای ساختن واژه‌ها و اصطلاحات جدید باشد. و زبان‌شناسان با توجه به این الگوها، نیاز زبانی خود و جامعه را در عصری که هر روز صدها وسیله و پدیده‌ی جدید نیازمند نام و عنوان می‌آفریند، بر طرف کنند.

یکی دیگر از اهداف این پژوهش، کاربرد آموزشی آن است. و با توجه به اینکه نمونه‌ها و شواهد فراوانی از هر ساختار، در این پژوهش آمده است، می‌تواند در امر آموزش به ویژه در دوره‌ی متوسطه، مفید و مؤثر باشد و مربی را در امر یاددهی یاری نماید.

۴-۱) پرسش‌های اصلی تحقیق

- ۴-۱-۱) منظور از وصف اشخاص در این پژوهش چیست؟
- ۴-۱-۲) آیا وصف‌ها و توصیفات قهرمانان شاهنامه، قدرت و برجستگی ویژه‌ای دارند؟
- ۴-۱-۳) وصف‌های شعر فردوسی و دقیقی، و نیز ساختار این اوصاف، چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟
- ۴-۱-۴) اوصاف قهرمانان شاهنامه، دارای چند ساختار و ساختمان کلی و عمده است؟
- ۴-۱-۵) کدام ساختار بیشترین کاربرد را دارد؟
- ۴-۱-۶) کدام گونه و گروه بیشترین تنوع و گوناگونی ساختاری را به خود اختصاص داده است؟
- ۴-۱-۷) آیا ساختار یا ساختارهایی از اوصاف اشخاص وجود دارد که خاص فردوسی باشد؟

۵-۱) نوع تحقیق

این پژوهش از یک جهت می‌تواند تحقیق بنیادی باشد. زیرا یافته‌ها و نتایج آن که از بخش پهلوانی شاهنامه به دست آمده است، مشتق از خروار و نمونه‌ای از کل شاهنامه است. و می‌توان این یافته‌ها را به کل شاهنامه تعمیم داد. هر چند که تحقیق بنیادی را اغلب «روان‌شناسان در موقعیتهای آزمایشگاهی و اغلب بر روی حیوانات» [۶] انجام می‌دهند، اما با توجه به ویژگی‌ها و ساختار عمومی که در این پژوهش از اوصاف بدست آمده است، قابل تعمیم به کل شاهنامه و حتی به ساختار توصیف در دیگر آثار داستانی کلاسیک ما نیز هست.

از جهتی دیگر، تحقیق کاربردی است. زیرا علاوه بر اینکه به صورت‌گزینش نمونه (بخش پهلوانی از شاهنامه) انجام شده است، می‌تواند در آموزش بخشی از زبان و ویژگی‌های آن - از جمله ساختار صفت‌ها و به تبع آن ساختار واژه - در مراکز آموزشی به کار برود و از این یافته‌ها در جهت تفهیم و افزایش آگاهی‌ها استفاده شود.

۶-۱) روش تحقیق

از میان انواع روش‌های مختلف تحقیق، روش تداومی و مقطعی، روش تجربی و تا حدودی روش تاریخی، برای مباحث ادبی یا اصلاً کاربردی ندارند، یا کمتر کاربرد دارند. شاید در مباحث زبان‌شناسی بتوان از بعضی از آنها بویژه روش تجربی استفاده کرد. اما در مباحث ادبی محض، این روش تحقیق توصیفی است که بیشترین کاربرد را دارد؛ و اغلب تحقیقات ما نتیجه‌ی چنین روشی است. این پژوهش هم براساس همین روش تحقیق توصیفی انجام گرفته است و ویژگی‌های ساختاری اوصاف قهرمانان، آن طور که هست طبقه‌بندی و گزارش شده و نتایج عینی به دست آمده است. و این همان چیزی است که در این گونه تحقیق‌ها هدف پژوهشگر واقع می‌شود [۷]. یکی از ویژگی‌های روش تحقیق توصیفی، مقایسه و ارزش‌یابی است [۸] که در این پژوهش به آن مبادرت شده است، و آن مقایسه‌ی اوصاف قهرمانان در شعر دقیقی طوسی با مشابه آن در شعر فردوسی و نیز توجه به بیشترین کاربردها و بیشترین گوناگونی و تنوع در ساختار اوصاف قهرمانان در شاهنامه است.

۷-۱) روش جمع‌آوری اطلاعات

روش‌های جمع‌آوری اطلاعات که می‌تواند در علوم انسانی کاربرد داشته باشد، چهار روش است: روش مشاهده، روش مصاحبه، روش پرسشنامه و روش کتابخانه‌ای. در مباحث ادبی، روش مشاهده اصلاً کاربردی ندارد. گاهی از روی تفنن و تنوع یا به دلایل دیگری، از روش مصاحبه و پرسشنامه استفاده می‌شود، مانند اقتراح کیهان فرهنگی درباره‌ی ادبیات انقلاب اسلامی [۹]، اما برای چنین موضوعاتی چندان علمی و حساب شده نیست. در ادبیات، روش جمع‌آوری اطلاعات، روش کتابخانه‌ای است. بهترین تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده، تاکنون نتیجه‌ی تفحص‌ها و جستجوهای محققان در کتابخانه‌هاست. بزرگانی مانند علامه‌ی قزوینی، استاد فروزانفر، جلال همایی، محمد تقی